

بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری شرطی و کاهش سود

احمد خدامی پور*

رحیمه مالکی نیا**

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۷

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه‌ی بین میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال کاهش سود آتی می‌باشد. در این پژوهش برای محاسبه‌ی محافظه‌کاری شرطی اعمال شده، از معیار اقلام تعهدی غیرعملیاتی گیولی و هاین استفاده شده است. در این پژوهش که دوره‌ی زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ را دربر می‌گیرد، فرضیه‌ها با استفاده از داده‌های برگرفته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در چارچوب مدل‌های رگرسیونی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

نتایج پژوهش حاکی از این است که رابطه‌ی منفی و معنادار بین محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال کاهش سود آتی وجود دارد. علاوه بر این یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین محافظه‌کاری شرطی و واکنش بازار به اخبار خوب و بد شرکت‌هاست. همچنین وجود رابطه‌ی معنادار بین اندازه شرکت و درجه‌ی اهرم مالی آن، با بازده غیرعادی شرکت نیز ثابت گردید.

* دانشیار حسابداری، دانشگاه شهیدبهادر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه حسابداری، کرمان، ایران.
(نویسنده مسئول)
Email: khodamipour@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید بهادر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه حسابداری، کرمان، ایران.
Email: reyhan.m1365@gmail.com

واژه های کلیدی: محافظه کاری، محافظه کاری شرطی، سود

۱- مقدمه

مدیران، مسئولان تهیه‌ی صورت‌های مالی هستند. صورت‌های مالی نمادی از عملکرد شرکت و مدیر آن می باشند. لذا واضح است که انگیزه‌هایی برای مطلوب نشان دادن عملکرد شرکت و تهیه‌ی خوبی‌بینانه صورت‌های مالی وجود دارد. وجود ابزارهای پیشگیرانه برای ارتقای کیفیت اطلاعات موجود در صورت‌های مالی شرکت‌ها لازم است. یکی از این بازارها رعایت محافظه کاری در تهیه‌ی صورت‌های مالی است. محافظه کاری، درپیش‌گرفتن رویدای بدبینانه در شرایط ابهام است. محافظه کاری را به دو نوع محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیرشرطی تفکیک نموده‌اند. آن بخش از محافظه کاری که در این نوشتار مدنظر است، محافظه کاری شرطی است. این نوع محافظه کاری در دوره‌ی پس از شناسایی اولیه‌ی دارایی‌ها اعمال می‌شود، و سبب تغییر در خالص دارایی‌ها به تناسب اخبار اقتصادی می‌گردد.

در این مقاله، رابطه‌ی بین محافظه کاری شرطی اعمال شده توسط شرکت‌ها با کاهش سود آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. درواقع هدف، بررسی این موضوع است که آیا محافظه کاری شرطی به‌واسطه رابطه‌اش با کاهش یا افزایش سود آتی، منافعی بار سهامداران دارد یا خیر؟ بنابراین در این پژوهش به دو سوال اساسی پاسخ داده خواهد شد. آیا بین محافظه کاری شرطی و احتمال کاهش سود آتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟ و اینکه آیا تغییر در میزان محافظه کاری شرطی شرکت‌ها، واکنش بازار سهام به افزایش یا کاهش سود آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟

در ادامه، به بررسی مبانی نظری و آزمون فرضیه‌های مرتبط با سوالات پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری

ابهامت حاکم بر محیط اقتصادی و عدم امکان پیش‌بینی قطعی آینده، ایجاب می‌کند که در تهیه اطلاعات مالی احتیاط شود درواقع محافظه کاری، ترجیح بدبینی بر خوش‌بینی در نگرش به رویدادها در شرایط ابهام است. کمیته فنی حسابرسی (۱۳۸۱) در تعریف محافظه کاری که آن را احتیاط نامیده است، بر شرایط ابهام تاکید نموده و بیان می‌کند که: احتیاط عبارت‌ستاز کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاؤت برای انجام برآورده در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیش از واقع و هزینه‌ها یا بدھی‌ها کمتر از واقع ارائه نشوند.

در ادبیات حسابداری محافظه‌کاری را به دو بخش مجزا تقسیک نموده‌اند: محافظه‌کاری بدون توجه به شرایط یا اخبار اقتصادی آتی (محافظه‌کاری غیرشرطی) و محافظه‌کاری وابسته به اخبار اقتصادی (محافظه‌کاری شرطی). محافظه‌کاری شرطی بیانگر تاخیر زمانی در شناسایی سودها نسبت به شناسایی زیان است. درواقع انگیزه اصلی برای اعمال محافظه‌کاری شرطی، خنشی نمودن انگیزه مدیران برای ارائه اطلاعات حسابداری غلط و دارای جانبداری رو به بالا در مواقعی است که رویدادهای نامناسب اتفاق افتاده باشد.

دیمیتروپولوس و استریو^۱ (۲۰۰۸) با ارجاع به بال و همکاران^۲ (۲۰۰۰)، عنوان می‌کنند که منبع محافظه‌کاری حسابداری ممکن است در این حقیقت نهفته باشد که سرمایه‌گذاران به خوبی قانونگذاران و شاید بیشتر از آنها، در مورد رسیدن اخبار بد بیشتر از اخبار خوب نگران بودند تا بتوانند نواحی مشکل را کشف کرده و تصمیمات سرمایه‌گذاری عقلایی بگیرند. همچنین حسابداران دریافتند که اخبار بدی که از مدیریت واحد تجاری دریافت می‌شود، باورکردنی‌تر (محتمل‌تر) از اخبار خوب است.

اتریدیس^۳ (۲۰۱۱) اظهار می‌دارد که مدیران ممکن است به گونه‌ای فرصت‌طلبانه، انگیزه داشته باشند تا دارایی‌ها و سود را بیشتر و بدھی‌ها را کمتر بیان نمایند، تا پاداش خود را افزایش داده و نمای مالی شرکت و چشم‌انداز مالی آتی آنرا بهبود بخشنند. در حالی که محافظه‌کاری به کم نمایی دارایی‌ها و سود و خنشی نمودن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، متمایل است.

باسو^۴ (۱۹۹۷) در تعریف محافظه‌کاری شرطی اضافه می‌کند که محافظه‌کاری عبارت‌ستاز تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری برای اخبار خوب در مقابل اخبار بد. تعریف باسو بر این دلالت دارد که اخبار بد یا همان زیان‌ها حتی با قابلیت تایید کم نیز در دوره جاری شناسایی شوند و لذا سود دوره جاری با اخبار بد اقتصادی همبستگی بیشتری دارد. ولی اخبار خوب اقتصادی یا همان سودها تا دوره‌های بعد که قابلیت تایید لازم را کسب نمایند، شناسایی نخواهند شد و شناسایی آنها به دوره‌های آتی موکول می‌شود، لذا سود دوره‌های آتی با اخبار خوب همبستگی بیشتری دارد.

لارا و دیگران^۵ (۲۰۱۰)، بیان می‌کنند که محافظه‌کاری شرطی به عنوان یک مکانیزم حاکمیتی عمل می‌کند که برای هر دو گروه؛ اعتباردهندگان و سرمایه‌داران، مفید است و ارزش

¹ Dimitropoulos & Asteriou

² Ball, et al.

³ Itridis

⁴ Basu

⁵ Lara, et al.

شرکت را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، لافوند و واتس^۱ (۲۰۰۸)، استدلال کرده‌اند که؛ انتظار می‌رود که محافظه‌کاری شرطی «عدم تقارن اطلاعاتی کمتری بین مدیران و سرمایه‌گذاران بروز سازمانی» داشته باشد و «گزارش‌های مالی محافظه‌کارانه، احتمالاً یک بازار سرمایه مطلع‌تر ایجاد می‌کند».

سود، یکی از مهمترین شاخص‌های حسابداری است که همواره برای مقاصد مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر به دنبال ورشکستگی شرکت‌های عظیم دنیا، پژوهشگران و تحلیل‌گران مالی با بررسی وقایع مربوط به ورشکستگی این شرکت‌ها، متوجه شدند که دلیل اصلی این وقایع؛ دستکاری سود و گزارش سودهای واهمی و بی‌کیفیت می‌باشد (دستگیر و دیگران، ۱۳۸۸).

در فرایند اندازه‌گیری سود، هم از اقلام قطعی نظری درآمد فروش و هم اقلام برآورده نظری هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول استفاده می‌شود. درواقع همین برآوردها روزنه‌ای برای دستکاری سود باز می‌کنند. لذا مدیران، هم انگیزه و هم توانایی دستکاری سود را دارند؛ زیرا به لحاظ اینکه از سود به عنوان مبنایی برای سنجش عملکرد مدیر و همچنین اغلب برای محاسبه پاداش و مزایای آنها، استفاده می‌گردد، مدیران برای بیش‌نمایی سود، انگیزه دارند. بنابراین خوشبینانه است، اگر تصور نماییم که در غیاب روش‌های بازدارنده مدیریت از دستکاری سود، رقم سود گزارش شده با سود واقعی، یکی خواهد بود. اگرچه تمامی اخبار بد و پنهان‌کاری مدیران، سرانجام آشکار خواهد شد. اما در آن زمان، دیگر این اطلاعات به موقع و با ارزش نیستند و حتی ممکن است که همین پنهان‌کاری‌ها به ورشکستگی شرکت بیانجامد. بنابراین وجود ابزارهای پیشگیرانه برای ممانعت از آزادی مدیران در دستکاری صورت‌های مالی، ضروری است. یکی از مهمترین این ابزارها، محافظه‌کاری شرطی است؛ زیرا محافظه‌کاری شرطی با شناسایی زود هنگام اخبار بد و شناسایی تاخیری اخبار خوب مدیران را وارد خواهد کرد تا اطلاعات خصوصی‌شان درمورد اخبار بد را، آشکار نمایند (کیم و پیزner^۲، ۲۰۱۰).

بنابراین انتظار می‌رود، شرکت‌هایی که محافظه‌کاری شرطی بالاتری اعمال می‌نمایند، اخبار بد کمتری برای افشا و منتشر شدن در دوره‌های بعد، داشته باشند. و لذا احتمال انتشار اخبار بد در مورد آنها کم است؛ زیرا چنین شرکت‌هایی پیش‌پیش، اخبار بد را شناسایی نموده و پنهان‌کاری نکرده‌اند تا مجبور شوند که در دوره‌های آتی، اخبار بد بیشتری را افشا نمایند. در نتیجه انتظار می‌رود که شرکت‌هایی که میزان محافظه‌کاری شرطی آنها بالاتر است، با احتمال

¹. La Fond & Watts

². Kim & Pevzner

کمتری سرمایه‌گذاران را با اخبار بد آتی برای مثال کاهش سود آتی، شگفتزده کنند؛ زیرا اغلب اخبار بد گذشته و جاری، به واسطه اعمال محافظه‌کاری شرطی، قبل‌شناسایی شده‌اند، و انتظار نمی‌رود در آینده خبری بد موجب کاهش سود گردد.

از طرف دیگر بنا به اظهار کیم و پزنر (۲۰۱۰) انتظار می‌رود که بازار اطلاعاتی را که از طریق صورت‌های مالی شرکت‌های محافظه‌کار منتشر می‌شود، صحیح‌تر و با جانبداری کمتری دریافت خواهد کرد، درحالی که اطلاعات شرکت‌های کمتر محافظه‌کار، با جانبداری خوش‌بینانه به بازار تحويل داده می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که واکنش بازار به اخبار خوب و بد شرکت‌ها به تناسب میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده توسط آنها متفاوت باشد.

یکی از متغیرهایی که می‌تواند بر رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و احتمال کاهش سود تاثیرگذار باشد، مضیقه مالی شرکت هاست. اگر شرکتی به ورطه‌ی ورشکستگی افتاد، روند سودآوری شرکت نزولی می‌شود و حتی ممکن است به زیاندهی شرکت منجر گردد. یافته‌های پژوهش جبارزاده کنگرلوئی و دیگران (۱۳۸۸) نشان داد که، مدیران تجاری در مراحل مختلف درمانگی مالی، برای بهتر نشان دادن وضعیت مالی و عملکرد شرکتشان و حفظ خود در بازار سرمایه، از طریق ابزارهایی که در اختیار دارند؛ دست به اقداماتی می‌زنند که به هموارسازی سود منجر می‌شود. لذا اثر این متغیر و سایر متغیرهایی که در ذیل آمده است، کنترل شده است.

یکی از معیارهای صلاحیت مدیران برای کسب بازده از دارایی‌های موجود نرخ بازده دارایی‌های است. اگر بخشی از پاداش مدیران به سود حسابداری مربوط باشد؛ مدیران انگیزه دارند تا با استفاده از روش‌های غیرمحافظه‌کارانه سود را افزایش دهند تا پاداش خود را حداکثر نمایند، این اقدام مدیران به افزایش نرخ بازده دارایی‌ها می‌انجامد. از سوی دیگر شرکت‌هایی که ریسک بالاتری دارند، تمایل کمتری به افزایش سود نقدی دارند؛ زیرا مدیران مطمئن نیستند که بتوانند در آینده به این پرداخت‌ها ادامه دهند. بدیهی است که هرقدر ریسک شرکتی بالاتر باشد، احتمال تغییر سود آن بیشتر است.

در مورد اندازه شرکت، برخی صاحبنظران همچون واتس و زیمرمن^۱ (۱۹۷۸)، معتقدند که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچکتر، هزینه‌های سیاسی بیشتری می‌پردازن. در نتیجه، این شرکت‌ها انگیزه‌ی بیشتری برای ارائه سود کمتر خواهند داشت. لیکن برخی افراد چون لوبو و ژو^۲ (۲۰۰۶)، در پژوهش خود بیان کرده‌اند که شرکت‌های بزرگ، بهدلیل پیچیدگی در فعالیت‌ها و عملیات و همچنین عدم امکان رسیدگی از سوی استفاده کنندگان اطلاعات،

^۱. Watts & Zimmerman

^۲. Lobo & Zhu

فرصت‌های بیشتری برای ارائه بیش از واقع سود دارند (عربصالحی و ضیایی، ۱۳۸۹). علیرغم اختلاف نظرها اندازه، متغیری تاثیرگذار بر سود شرکت و همچنین میزان محافظه‌کاری آنهاست. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری که نشان‌دهنده درجه فزونی ارزش بازار نسبت به ارزش دفتری خالص دارایی‌هاست، می‌تواند نشانه عدم ثبت برخی از سودها و یا ثبت بیش از واقع زیان‌ها باشد، که باعث کاهش سود و در نتیجه افزایش محافظه‌کاری می‌گردد. به قول خان و واتس^۱ (۲۰۰۹)، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری مستقیماً با محافظه‌کاری مرتبط است؛ زیرا الزامات نامتقارن تاییدپذیری برای سودها در مقابل زیان‌ها، یک کم‌نمایی انباسته از خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازارشان، ایجاد می‌کند.

نتایج پژوهش‌های گوناگون تاثیر متفاوتی از نسبت بدھی‌های شرکت ارائه کرده است؛ مثلاً دیفوند و جیامبالو^۲ (۱۹۹۴)، از تاثیر بدھی شرکت بر انگیزه‌ی مدیران برای ارائه نادرست سود، به دلیل نگرانی آنها از جانب موسسه‌های اعتباردهنده، سخن گفته‌اند. در مقابل لارکر و ریچاردسون^۳ (۲۰۰۶)، شواهدی از تاثیر مشت بدھی‌ها بر کیفیت سود ارائه شده، بهدلیل نظارت موثر اعتباردهنده‌گان و تامین‌کننده‌گان غیر سهامدار شرکت، ارائه کرده‌اند (عربصالحی و ضیایی، ۱۳۸۹).

۳- پیشینه‌ی پژوهش

چن، لین و استرانگ^۴ (۲۰۰۹) دریافتند که محافظه‌کاری غیرشرطی، با کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری و هزینه‌های سرمایه پایین‌تر همبستگی دارد. و محافظه‌کاری شرطی، با کیفیت پایین‌تر اطلاعات حسابداری و هزینه‌های سرمایه بالاتر همبسته است. کیم و پزنر (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری شرطی بالاتر با احتمال کمتر اخبار بد آتی نظیر کاهش سود، کاهش سود تقسیمی و ... همبسته است. به علاوه، شواهد ضعیفی یافتند که بازار سهام به اخبار خوب (بد) شرکت‌های محافظه‌کارتر واکنش قوی‌تر (ضعیف‌تر) نشان می‌دهد. لارا، اوسمای و پنالوا^۵ (۲۰۱۰)، در پژوهشی دریافتند که رابطه منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی و متوسط بازده سهام در طول دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۳ وجود دارد. همچنین

^۱. Khan & Watts

^۲. Defond & Jiambalvo

^۳. Larker & Richardson

^۴. Chan, Lin & Strong

^۵. Lara , Osma & Penalva

رابطه منفی معنی داری بین محافظه کاری شرطی و هزینه سرمایه وجود دارد. اتریدیس^۱ (۲۰۱۱)، نشان داد که شرکت هایی که افشا های حسابداری با کیفیت بالا را عرضه می کنند؛ محافظه کاری شرطی بالاتر و محافظه کاری غیرشرطی کمتری را نشان می دهند. و همچنین اثبات می کند که شکل شرطی محافظه کاری به طور منفی با شکل غیرشرطی محافظه کاری، مرتبط است. کولینان و دیگران^۲ (۲۰۱۲)، دریافتند که محافظه کاری به طور منفی با درصد سهامی که توسط سهامداران عده نگهداری می شود همبسته است و این تاثیر مخصوصا زمانی که درصد مالکیت بالاتر از ۳۰ درصد باشد، معنادارتر است. نتایج پژوهش هوی، کلاسا و ینگ^۳ (۲۰۱۲)، نشان می دهد که چگونه عرضه کنندگان و مشتریان قوی شرکت با فرایند حسابداری آن همبسته هستند، این پژوهش همچنین توضیح قراردادی برای محافظه کاری حسابداری را حمایت می کند. رامالینگوودا و بی^۴ (۲۰۱۲)، دریافتند که مالکیت سازمانی بالاتر با گزارشگری مالی محافظه کارانه تر همبستگی دارد. این همبستگی مثبت در بین شرکت های با اختیارات رشد بیشتر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر پررنگ تر است.

نتایج پژوهش مران جوری و علی خانی (۱۳۸۹)، نشان داد که بین محافظه کاری و شاخص های فرضیه قرداد بدھی در کلیه شرکت های مورد بررسی رابطه معناداری وجود ندارد. ستایش و جمالیان پور (۱۳۸۹)، دریافتند که اقلام تعهدی غیرعملیاتی که حاصل از اعمال محافظه کاری مدیران و حسابداران است، با گذشت زمان تغییر قابل ملاحظه ای نداشته است. همچنین، محافظه کاری شرطی و غیرشرطی در هردو سطح پژوهش (شرکت و صنعت) وجود داشته است و روند آن نیز سعودی است. رحمانی، اثنی عشری و ولیزاده (۱۳۹۰)، دریافتند که سود خالص شرکت ها محافظه کارانه بود و این محافظه کاری از محتوای اطلاعاتی سود خالص می کاهد. همچنین به کارگیری محافظه کاری در تهیه اطلاعات حسابداری به کسب بازده بیشتر برای سرمایه گذاران منجر نمی شود. خالقی مقدم و احمدخان بیگی (۱۳۹۰)، به این نتیجه رسیدند که در حالی که سود خالص شرکت ها محافظه کارانه است، اما در طول زمان به هنگام تر و محافظه کارانه تر نشده است. پور حیدری و غفارلو (۱۳۹۰)، دریافتند که شرکت هایی که از طریق بدھی بلندمدت تامین مالی می کنند، نه در دوره تامین مالی و نه در دوره قبل از آن سطح محافظه کاری مشروط را کاهش نمی دهند؛ اما شرکت هایی که از طریق حقوق صاحبان سهام تامین مالی می کنند، هم در دوره تامین مالی و هم در دوره قبل از آن، سطح محافظه کاری

¹. Iatridis

². Cullinan, et al.

³. Hui , Klasa & Yeung

⁴. Ramalingegowda & Yu

مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند. نتایج پژوهش هاشمی، فرهمند و شامیرزائی جشنواره‌ی (۱۳۹۰)، نشان داد که بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه سهام عادی شرکت رابطه معکوس وجود دارد؛ همچنین بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه پرتفوی سهام رابطه مثبتی وجود دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: محافظه‌کاری شرطی بر احتمال کاهش سود آتی، تاثیر منفی و معناداری دارد.

فرضیه دوم: هرچه محافظه‌کاری شرطی بیشتر باشد، واکنش بازار سهام به خبر افزایش سود آتی (خبر کاهش سود آتی)، قوی‌تر (ضعیفتر) است.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ روش‌شناسی، در حیطه پژوهش‌های شبه‌تجربی و پس‌رویدادی است؛ که با استفاده از اطلاعات واقعی گذشته انجام می‌گیرد. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است؛ به‌این ترتیب که برای آزمون فرضیه‌ی اول از مدل لاجیت، و برای آزمون فرضیه‌ی دوم از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. داده‌های مورداستفاده در این پژوهش از نوع داده‌های ترکیبی می‌باشند. برای برآورده مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی وجود دارد. برای تصمیم‌گیری درمورد نوع روش، آزمون هاسمن^۱ انجام شده است. نتایج حاصل از این آزمون که در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شده است، استفاده از روش اثرات تصادفی را تایید نمود. برای طبقه‌بندی و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، به تناسب نیاز از نرم‌افزارهای Excel و Eviews6 استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران است که در دوره زمانی ابتدای ۱۳۷۶ تا پایان ۱۳۸۸ در بورس مشغول فعالیت بوده‌اند؛ درواقع دوره‌ی زمانی این پژوهش از آغاز سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۸ است، اما برای محاسبه‌ی شاخص محافظه‌کاری از داده‌های ۱۳۷۶ به بعد استفاده شده است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است؛ به‌این ترتیب که با توجه به محدودیت‌های اعمال شده، تعدادی از اعضای جامعه حذف شده و مابقی به عنوان نمونه

¹.housman

- انتخاب شدند. در این پژوهش محدودیت‌های زیر اعمال شد، که درنهایت به انتخاب ۵۵ شرکت در قالب ۴۴۰ مشاهده سال – شرکت منجر گردید:
- ۱- سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه بوده و در طول دوره‌ی پژوهش تغییر نکرده باشد.
 - ۲- شرکت‌های نمونه جزء شرکت‌های تامین مالی و بانک‌ها نباشند.
 - ۳- داده‌های مورد نیاز برای محاسبه معیارهای محافظه‌کاری و آزمون فرضیه‌ها را دارا باشند.

۴- روش تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول: برای مدلسازی احتمال کاهش سود و آزمون فرضیه‌ی اول، از مدل رگرسیونی زیر که توسط کیم و پزner (۲۰۱۰) مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده شده است:

(۱)

$$\text{Prob}(\text{Earn Decr}_{i,t+1} = 1) = \gamma_0 + \gamma_1 \times \text{CONS}_{i,t} + \gamma_2 \text{EDF}_{i,t} + \gamma_3 \text{ROA}_{i,t} + \gamma_4 \Delta\text{EARN}_{i,t} + \gamma_5 \text{Stdret}_{i,t} + \gamma_6 \text{MVE}_{i,t} + \gamma_7 \text{MTB}_{i,t} + \gamma_8 \text{LEV}_{i,t} + \gamma_9 \Delta\text{TA}_{i,t+1} + e_t$$

در این مدل، $\text{Earn Decr}_{i,t+1}$ متغیر مجازی کاهش سود است. اگر سود در سال $t+1$ در مقایسه با سال t کاهش یافته باشد، این متغیر مساوی با ۱ و در غیراینصورت مساوی ۰ می‌باشد. (در این مدل محافظه‌کاری شرطی اعمال شده، متغیر مستقل و مابقی متغیرها کنترلی هستند). $\text{CONS}_{i,t}$ میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده‌ی شرکت i در سال t است. در این پژوهش، برای محاسبه‌ی میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده از معیار قرینه اقلام تعهدی گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده شده است. بر اساس این مدل جمع اقلام تعهدی، اقلام تعهدی عملیاتی (سرمایه درگردش) و اقلام تعهدی غیرعملیاتی به شرح ذیل است:

$$\text{ACC}_{i,t} = (\text{NI}_{i,t} + \text{DEP}_{i,t}) - \text{CFO}_{i,t} \quad (۲)$$

که Acc کل اقلام تعهدی، NI سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه، DEP هزینه استهلاک و CFO جریان نقدی عملیاتی است.

$$\text{OACC}_{i,t} = (\Delta\text{AR}_{i,t} + \Delta\text{I}_{i,t} + \Delta\text{PE}_{i,t}) - (\Delta\text{AP}_{i,t} + \Delta\text{TP}_{i,t}) \quad (۳)$$

OAcc اقلام تعهدی عملیاتی ، ΔAR تغییر در حساب‌های دریافتی ، ΔI تغییر در موجودی کالا ، ΔPE تغییر در پیش‌پرداختها ، ΔAP تغییر در حساب‌های پرداختی و ΔTP تغییر در مالیات‌های پرداختی است. بنابراین اقلام تعهدی غیرعملیاتی، تفاوت بین کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی عملیاتی یعنی تفاضل دو معادله فوق است :

$$NOACC_{i,t} = ACC_{i,t} - OACC_{i,t} \quad (4)$$

در این معادله، NOACC اقلام تعهدی غیرعملیاتی است. اقلام تعهدی غیرعملیاتی برای ۵ سال انباسته شده و آنگاه قرینه این اقلام به عنوان معیار محافظه‌کاری شرطی استفاده شده است.

اقلام تعهدی عملیاتی از فعالیت‌های مستمر و معمول شرکت ناشی می‌شود. لیکن اقلام تعهدی غیرعملیاتی مثلاً شامل موارد زیر است: افزایش هزینه‌ای که ناشی از تغییر برآوردهاست، سود و زیان فروش دارایی‌ها و سرمایه‌ای کردن مخارج (مشايخی و دیگران). (۱۳۸۸)

$EDF_{i,t}$ شاخص ورشکستگی است و با استفاده از شاخص ورشکستگی که توسط پور حیدری و کوپایی حاجی (۱۳۸۹) ارائه شده است، محاسبه شده است. این شاخص به صورت زیر است:

$$P = 3.20784 K_1 + 1.80384 K_2 + 1.61363 K_3 + 0.50094 K_4 + 0.16903 K_5 + 0.39709 K_6 + 0.12505 K_7 + 0.33849 K_8 + 1.42363 K_9 \quad (5)$$

که در این مدل، K_1 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها ، K_2 نسبت سود انباسته به مجموع دارایی‌ها ، K_3 نسبت سرمایه درگردش به مجموع دارایی‌ها ، K_4 نسبت حقوق صاحبان سهام به مجموع بدھی‌ها، K_5 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به فروش ، K_6 نسبت دارایی‌های جاری به بدھی‌های جاری ، K_7 نسبت سود خالص به فروش ، K_8 نسبت مجموع بدھی‌ها به مجموع دارایی‌ها و K_9 اندازه شرکت است. نقطه تمیز (Cut off) در این مدل، $P < 15.8907$ است. اگر $P \geq 15.8907$ باشد، در این صورت شرکت دارای بحران مالی است؛ و اگر $P < 15.8907$ باشد، شرکت فاقد بحران مالی است. این متغیر برای کنترل مضيقه مالی که به کاهش سود منجر می‌شود، در مدل شامل شده است.

سایر متغیرهای کنترلی شامل موارد زیر هستند: $\text{ROA}_{i,t}$ بازده دارایی‌های شرکت است و از طریق تقسیم سود خالص بر جمع دارایی‌های اول دوره محاسبه شده است؛ $\Delta\text{EARN}_{i,t}$ میزان تغییر سود و برابر تفاوت سود در سال $t-1$ است؛ $\text{Stdret}_{i,t}$ انحراف معیار بازده‌های سهام است؛ $\text{MVE}_{i,t}$ اندازه شرکت که همان لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت است؛ $\text{MTB}_{i,t}$ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌هاست؛ $\text{LEV}_{i,t}$ درجه اهرم مالی و از تقسیم کل بدھی‌ها بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید و $\Delta\text{TA}_{i,t+1}$ تغییر اقلام تهدی سال آتی است، اقلام تعهدی از تفاوت سود و جریان‌های نقدی به دست می‌آیند.

مدل آزمون این فرضیه، مدلی لاجیت (لوجستیک) است؛ از آنجا که متغیر وابسته در این مدل متغیر دودوئی است که تنها دو مقدار ۰ و ۱ را می‌پذیرد، از این روش رگرسیونی استفاده شده است. این فرضیه در صورتی تایید می‌گردد که ضریب رگرسیونی محاسبه شده برای متغیر محافظه‌کاری شرطی اعمال شده (٪۶۱) منفی و معنادار باشد.

فرضیه دوم: در فرضیه دوم، رابطه‌ی بین واکنش بازار به اخبار خوب و بد در مورد سود شرکتها با میزان محافظه‌کاری شرطی آنها مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای اندازه‌گیری واکنش بازار از بازده غیرعادی ۵ روزه انباشته شده (۵ روز قبل و ۵ روز بعد از تاریخ اعلان سود خالص) استفاده شده است. برای آزمون این فرضیه از مدل زیر استفاده شده است:

(۶)

$$\text{AR}_{(-5,5)} = \beta_0 + \beta_1 \times \text{SURP}_{i,t} + \beta_2 \times \text{CONS}_{i,t-1} + \beta_3 \times \text{CONS}_{i,t-1} \times \text{SURP}_{i,t} + \beta_4 \times \text{BAD_NEWS}_{i,t} + \beta_5 \times \text{CONS}_{i,t-1} \times \text{SURP}_{i,t} \times \text{BAD_NEWS}_{i,t} + \beta_6 \times \text{CONS}_{i,t-1} \times \text{BAD_NEWS}_{i,t} + \beta_7 \text{MVE}_{i,t} + \beta_8 \text{MTB}_{i,t} + \beta_9 \text{LEV}_{i,t} + e_{i,t}$$

در این مدل، $\text{AR}_{(-5,5)}$ بازده غیرعادی انباشته شده ۵ روزه حول اعلان سود (تاریخ صورت‌های مالی) برای هر سال-شرکت است، که برابر تفاوت بازده واقعی و بازده موردنظر است و سپس با استفاده از این فرمول انباشته شده است که در این رابطه، e_i بازده غیرعادی روزانه و AR بازده غیرعادی انباشته است.

$$(1 + e_i) \text{AR} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \text{SURP}_{i,t} \quad (7)$$

$\text{SURP}_{i,t}$ خطای پیش‌بینی سود شرکت i در سال t است که برابر است با:

(۸)

$$SURPi,t = \frac{ACTUAL\ EARNit - FORECAST\ EARNit}{FORECAST\ EARNit}$$

در اینجا، $EARN_i$ ACTUAL EARN و $EARN_{i,t}$ FORECAST EARN در سال t و سود پیش‌بینی شده شرکت برای سال t است.

$CONS_{i,t-1}$ معیار محافظه‌کاری شرطی سال قبل شرکت i در سال t که با استفاده از همان معیار قبل به دست آمده است و نهایتاً $BAD_NEWS_{i,t}$ متغیری مجازی است؛ این متغیر مساوی ۱ است اگر SURP منفی باشد و در غیر اینصورت مساوی ۰ می‌باشد. این فرضیه در صورتی تایید می‌گردد که ضریب متغیر $SURP_{i,t-1} \times CONS_{i,t-1}$ یعنی β_3 مثبت و معنادار و همچنان ضریب متغیر $BAD_NEWS_{i,t} \times CONS_{i,t-1}$ یعنی β_5 منفی و معنادار باشد.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آورده شده است. میانگین متغیر وابسته مدل اول یعنی کاهش سود، برابر با 0.580866 است که اندکی از 0.5 بزرگتر است، که نشان می‌دهد تعداد شرکت‌هایی که کاهش سود را تجربه نموده‌اند بیشتر از تعداد شرکت‌هایی است که افزایش سود را تجربه نموده‌اند میانگین متغیر مستقل مدل اول یعنی محافظه‌کاری شرطی اعمال شده، برابر با -0.007346 است که تقریباً برابر صفر است؛ و نشان می‌دهد که، تعداد شرکت‌هایی که رویه‌ی محافظه‌کارانه‌تری داشته‌اند با تعداد شرکت‌هایی که رویه‌ی غیرمحافظه‌کارانه‌ای داشته‌اند، تقریباً برابر است. متغیر وابسته مدل دوم، بازده غیرعادی است. میانگین این متغیر 0.598286 است و نشان می‌دهد که متوسط بازده غیرعادی شرکت‌ها 0.06 است. لذا می‌توان گفت که بیشتر شرکت‌ها بازده غیرعادی مثبت دارند. متغیر مستقل محافظه‌کاری شرطی، دارای میانگین 0.1296 است. به نظر می‌رسد که شرکت‌ها در سال‌های گذشته محافظه‌کارتر بوده‌اند.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
Earn Deer	۰/۰۸۰۸۷	۱	۱	۰	۰/۴۹۳۹۸
CONS	-۰/۰۰۷۳۴	-۰/۰۲۳۳۷	۳/۲۹۸۱۴	-۴/۶۷۰۲۲۵	۰/۵۹۲۲
EDF	۱۹/۹۵۳۸	۱۹/۰۳۳	۲۷/۴۲۳	۱۳/۸۴۸۶	۲/۶۷۱۲
ROA	۰/۰۴۹۰	۰/۳۸۳۸	۳/۱۰۷۷	-۲/۰۴۲۰	۰/۵۴۴۷۶
ΔEarn	-۰/۰۱۳۲	-۰/۰۱۳۵	۰/۲۸۱	-۰/۳۵۴	۰/۰۶۷
StdRet	۶۴/۲۰۵	۵۶/۹۲	۱۵۰/۹۶	۲۰/۴۴	۳۳/۸۶
MVE	۱۲/۶۶	۱۲/۴۴۷	۱۶/۹۹۹	۹/۴۷۹۶	۱/۰۰۷۷
MTB	۳/۲۸۹۲	۱/۹۷۳۸	۴۲/۰۰۱	۰/۳۰۹۷	۰/۹۶۰۷
LEV	۰/۶۴۴۴	۰/۶۵۶۷	۰/۹۲۷۸	۰/۱۶۸۸۷	۰/۱۴۸
ΔTA	۰/۰۱۹۳	۰/۰۰۲۷	۰/۶۱۳۴	-۰/۳۵۰۹	۰/۱۳۲
RA _(-5,5)	۰/۰۹۸۳	۱	۷۰/۰۶	-۶۷/۶	۷/۸۰۲۷
SURP	-۰/۰۳۸۹۶	۰	۳/۶۸۹۶	-۹/۰۸۴	۰/۰۹۰۲
CONS _{t-1}	۰/۰۱۲۹۶	-۰/۰۱۴۳	۳/۷۹۰۱۹	-۳/۷۰۱۹۶	۰/۰۰۰۸
CONS × SURP	۰/۰۸۵۴۸	۰/۰۰۴۸	۳۵۸۹	-۰/۰۱۹۵	۰/۵۴۸۹
BAD-NEWS	۰/۴۰۹۱	۰	۱	۰	۰/۴۹۲۲
CONS×SURP×BAD-NEWS	۰/۰۴۸۹۴	۰	۱۰/۳۵۸۹	۰	۰/۰۰۶
CONS × BAD-NEWS	-۰/۱۱۳۸	۰	۰	-۳/۷۰۱۹۷	۰/۲۹۷۱

مأخذ: محاسبات نویسنده

۲- نتایج حاصل از آزمون هاسمن

برای برآورد مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی وجود دارد. برای تصمیم‌گیری درمورد نوع روش، آزمون هاسمن انجام می‌شود. نتایج حاصل از آزمون هاسمن که در جدول ۲ ارائه شده است، استفاده از روش اثرات ثابت را پیشنهاد می‌کند.

جدول ۲: نتایج آزمون هاسمن برای مدل دوم

خلاصه‌ی آزمون	آماره‌ی کای دو	درجه آزادی آماره‌ی کای دو	p-value
اثرات تصادفی مقطعي	۱/۸۴۲۴۶۱	۶	۰/۹۳۶۳

مأخذ: محاسبات نويسنده

قابل ذکر است که در اين پژوهش برای آزمون مانابع داده‌ها، از آزمون لوین لین و چو^۱ استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون که در جدول ۲ ارائه شده است، نشان می‌دهد که داده‌های تمامی متغیرهای پژوهش مانا می‌باشند.

۳-۵- نتایج حاصل از آزمون فرضيه‌ی اول

نتایج حاصل از آزمون فرضيه‌ی اول در جدول (۳) ارائه شده است. لازم به ذکر است که، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB) که در اين مدل گنجانده شده است، به عنوان کنترلی برای محافظه‌کاری غیرشرطی محسوب می‌شود. ضريب رگرسيونی برآورد شده‌ی متغير محافظه‌کاری شرطی (cons) منفی و در سطح اطمینان ۹۹٪ معنadar می‌باشد، و بيانگر اين است که با افزایش ميزان محافظه‌کاري شرطی، احتمال کاهش سود کاهش می‌يابد و با کاهش ميزان محافظه‌کاري شرطی، احتمال کاهش سود افزایش می‌يابد. اين نتيجه با ادبيات پژوهش مطابقت دارد؛ زيرا همانطور که قبلًا بيان شد، اعمال محافظه‌کاري شرطی باعث می‌شود تا اخبار بد شرکت به شيوه‌اي به هنگام شناسايي شوند و از انتشار ناگهاني آنها پيشگيري می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود؛ شركت‌هایی که محافظه‌کاری شرطی بالاتری اعمال می‌نمایند، اخبار بد کمتری برای افشا شدن در دوره‌های آتی داشته باشند و لذا احتمال انتشار اخبار بد در مرور آنها کاهش می‌يابد. بنابراین فرضيه‌ی اول مورد تاييد قرار می‌گيرد. اين نتيجه به دست آمده توسط كيم و پizer (2010) مطابقت دارد.

ساير نتایج حاکي از وجود رابطه‌ی معنadar بین شاخص ورشکستگي (EDF)، بازده دارابي‌ها (ROA)، انحراف معيار بازده‌ها (StdRet) و اندازه‌ی شركت (MVE) با متغير وابسته است، که به ترتيب در سطوح ۹۹٪، ۹۰٪ و ۹۵٪ معنadar هستند. اما برای ساير متغيرهای کنترلی رابطه‌ی معنadar يافت نشد. برای اين مدل، McFadden R-Square (R^2) برابر با ۰/۹۶۴۰ است. R^2 مك فادن شبيه R^2 گزارش شده در مدل‌های رگرسيون خطی است و نشان دهنده‌ی اين است که حدود ۹۶٪ درصد تغييرات در متغير وابسته توسط متغيرهای

^۱. Levin, Lin & Chu

مستقل توضیح داده می‌شود. همان P-Value (LR-Statistic) آماره‌ی Probability است که شبیه P-Value آماره‌ی F است. و چون در این مدل برابر ۰ است، می‌توان گفت که مدل در سطح ۹۹٪ معنادار است.

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول

p-value	z آماره‌ی Z	ضریب	علامت مورد انتظار	متغیر
۰/۰۰۱۵	-۳/۱۸۰۲۱۶	-۳۵۰/۹۰۴۵	-	CONS
۰/۰۰۱۱	-۳/۲۰۵۶	-۲/۳۴۵۳	±	EDF
۰/۰۱۵	۲/۴۳۲۱۰۴	۳/۴۵۰۲۸	±	ROA
۰/۵۹۰۷	۰/۵۳۷۷۸	۳/۴۷۳۹۷	±	ΔEarn
۰/۰۷۴۷	۱/۷۸۲۱۶	۰/۰۲۴۰۵۴	+	StdRet
۰/۰۰۱۵	۳/۱۷۱۰۸	۳/۴۲۸۴	-	MVE
۰/۲۹۳۹	-۱/۰۴۹۶۷	-۰/۰۴۱۵۷۵	-	MTB
۰/۳۵۸۲	-۰/۹۱۸۸۸	-۳/۳۹۶۱۸	-	LEV
۰/۷۶۵۷	-۰/۲۹۷۹۶	-۰/۸۶۶۶۷۳	±	ΔTA
۰/۰۵۴۵	۰/۰۹۱۰۳۶	۲/۵۸۵۳۸۱		c
McFadden R-Squared : ۰/۹۶۴۰۴۰				
LR statistic : ۵۷۵/۵۷۹۰				
probability : ۰/۰۰۰				

مأخذ: محاسبات نویسنده

۴-۴- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی دوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی دوم در جدول ۴ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، شرایط لازم برای پذیرش این فرضیه (مثبت و معنادار بودن ضریب β_3 و منفی و معنادار بودن ضریب β_5) وجود ندارد، درنتیجه فرضیه‌ی دوم پژوهش رد می‌شود. بنابراین می‌توان استدلال نمود که بین محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و خطای پیش‌بینی سود با بازده غیرعادی رابطه‌ی خطی معناداری وجود ندارد. این نتیجه با نتیجه‌ی بهدست آمده توسط کیم و پزمر (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

p-value	آماره t	ضریب	علامت مورد انتظار	متغیر
۰/۵۸۹۸	-۰/۵۳۹۵	-۰/۶۷۸۵		SURP
۰/۷۳۲۲	-۰/۳۴۲۳۹۷	-۰/۴۰۳۰		CONS _{t-1}
۰/۰۰۳۱	-۲/۹۷۶	-۲/۸۳۱۷۵		BAD-NEWS
۰/۸۳۵۳	۰/۲۰۸۰	۰/۰۰۲۳	+	CONS × SURP
۰/۲۱۴۵	-۰/۳۶۶	-۱/۱۰۳	-	CONS × SURP× BAD - NEWS
۰/۹۷۰۹	-۰/۰۳۶۴۷	-۰/۰۶۸۳۹		CONS × BAD-NEWS
۰/۰۰۱۲	۳/۲۵۶	۱/۷۴۱۲۳		c
$R^2 : 0/025$		$Adj R^2 : 0/0114$		D.W : ۲/۰۴۵۹۵
F : ۷/۲۴۵۴		F(p-value): ۰/۰۲۹		

مأخذ: محاسبات نویسنده

R^2 برای این مدل برابر با ۰/۰۲۵ است و گویای این است که تنها ۳٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود، و حدود ۹۷٪ از تغییرات متغیر وابسته تحت تاثیر متغیرهای دیگری است. آماره F محاسبه شده برای این مدل ۷/۲۴۵۴ است، و P-Value برای آماری F برابر ۰/۰۲۹ است که نشان می‌دهد که مدل برآورده شده در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۲/۰۴۵۹۵ است، از آنجا که مقدار این آماره برای مدل تقریباً برابر با ۲ است، لذا در سطح اطمینان بالایی می‌توان تایید نمود که مدل چهار خودهمبستگی نمی‌باشد.

۵-۵- نتایج حاصل از آزمون فروض رگرسیون

- (۱) بین مقدار خطاهای همبستگی وجود نداشته باشد. چون آماره دوربین واتسون تقریباً برابر ۲ می‌باشد، لذا با اطمینان بسیار بالایی می‌توان گفت که بین خطاهای مدل همبستگی وجود ندارد.
- (۲) معادله رگرسیون برآورده شده باستی معنادار باشد. آماره F به دست آمده برای مدل‌های پژوهش، در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می‌دهد که معادله‌های رگرسیون برآورده شده معنادار می‌باشند.
- (۳) میانگین خطاهای صفر باشد. درصورتی که یک جمله‌ی ثابت در رگرسیون داشته باشیم، این فرض هرگز نقض نمی‌شود. لذا به علت وجود عرض از مبدا این فرض نقض نشده است.

(۴) توزیع خطاهای نرمال باشد؛ یعنی میانگین خطاهای صفر و انحراف معیار آنها برابر یک باشد. از آنجا که در این مدل میانگین خطاهای تقریباً برابر ۰ و انحراف معیار آنها تقریباً برابر ۱ بود، لذا می‌توان ادعا نمود که توزیع خطاهای نرمال است.

(۵) عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل، به عنوان یک قاعده می‌توان ضریب همبستگی کمتر از ۰.۵ بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل قبول دانست، و نگران همخطی نبود. این پژوهش نیز به این علت که ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل هر مدل کمتر از ۰.۵ است، می‌توان نگران همخطی نبود.

۶- نتیجه‌گیری

براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، می‌توان گفت که رابطه‌ی منفی و معنادار بین میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال کاهش سود وجود دارد. بنابراین شرکتهایی که محافظه‌کاری شرطی بیشتری اعمال می‌کنند، احتمال کاهش سود آتی آنها کمتر است؛ زیرا بیشتر اخبار بد را در دوره‌ی جاری شناسایی نموده و درنتیجه احتمال انتشار ناگهانی اخبار بد درمورد آنها کمتر است. این نتیجه با ادبیات پژوهش سازگار است؛ زیرا مشخصه اصلی محافظه‌کاری شرطی، شناسایی زودهنگام اخبار بد و شناسایی تاخیری اخبار خوب است. از این‌رو اعمال محافظه‌کاری شرطی باعث می‌شود تا اخبار بد شرکت به شیوه‌ای بهنگام شناسایی شده و از انتشار ناگهانی آنها پیشگیری شود.

درواقع محافظه‌کاری شرطی، ابزار وادرار کردن مدیران شرکت‌ها به افسای اخبار بد و ممانعت از پنهان کاری و به تأخیر انداختن شناسایی آنها تا دوره‌های آتی است. لذا با افزایش سطح اعمال محافظه‌کاری شرطی، بیشتر اخبار بد در سود دوره جاری شناسایی شده و احتمال افسای آنها در دوره‌های آتی و کاهش سود آتی کاهش می‌یابد. نتیجه این پژوهش بر این نظریه که؛ اعمال محافظه‌کاری شرطی برای سهامداران مفید است، صحه می‌گذارد.

نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم نشان داد که بین واکنش بازار به اخبار خوب و بد درمورد سود شرکت‌ها، با محافظه‌کاری شرطی اعمال شده توسط آنها رابطه‌ی خطی معناداری وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که واکنش بازار به تناسب میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها، متفاوت باشد. یعنی نمی‌توان تایید نمود که چون بازار به صورت‌های مالی شرکت‌های محافظه‌کار اعتماد بیشتری دارد، به اخبار بد آنها واکنش کمتر و به اخبار خوب آنها واکنش قوی‌تری نشان خواهد داد. و بر عکس به علت عدم اعتماد به

صورت‌های مالی شرکت‌های غیرمحافظه کار، به اخبار بد آنها واکنش قوی‌تر و به اخبار خوب آنها واکنش ضعیف‌تری نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش با نتایج به دست آمده توسط کیم و پزner (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

۷- پیشنهادات پژوهش

۷-۱- پیشنهادات کاربردی

- (۱) به دست‌اندرکاران و تدوین‌کنندگان مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری ملی توصیه می‌شود با توجه به نقش مهم محافظه‌کاری شرطی در کاهش احتمال وقوع اخبار بد آتی، در صورت امکان تدبیری جهت حفظ سطح فعلی اعمال محافظه‌کاری شرطی در صورت‌های مالی بیاندیشند.
- (۲) به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد که، به شرکت‌های پذیرفته شده الزام نماید تا سطح اعمال محافظه‌کاری شرطی در صورت‌های مالی خود را حفظ نمایند، زیرا حذف کامل اعمال محافظه‌کاری شرطی در صورت‌های مالی می‌تواند زیانبار باشد.
- (۳) به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی توصیه می‌شود جهت تصمیمات سرمایه-گذاری کوتاه مدت و بلندمدت، در کنار استفاده از ارقام ارائه شده در صورت‌های مالی به روش‌های حسابداری شرکت‌ها از جمله شیوه‌های حسابداری محافظه‌کارانه توجه نمایند

۷-۲- پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- (۱) آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی
- (۲) بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری غیرشرطی و احتمال کاهش سود آتی
- (۳) بررسی وجود یا عدم وجود رابطه‌ی غیرخطی بین بازده غیرعادی و محافظه‌کاری شرطی

منابع:

- ۱- پورحیدری، امید و کوپایی حاجی، مهدی، (۱۳۸۹)؛ "پیش‌بینی بحران مالی شرکت‌ها با استفاده از مدل مبتتنی برتابع تفکیک خطی"، *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ش ۳، صص ۴۶-۳۳.
- ۲- پورحیدری، امید و غفارلو، عباس (۱۳۹۰)؛ "تامین مالی و تغییرات سطح محافظه‌کاری مشروط حسابداری"، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش ۶، صص ۲۸-۱۵.
- ۳- جبارزاده‌کنگرلوئی، سعید؛ خدایاری‌گانه، سعید و پورضا سلطان‌احمدی، اکبر (۱۳۸۸)؛ "بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و درمانندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *فصلنامه حسابداری مالی*، ش ۲، صص ۸۰-۶۰.
- ۴- خالقی‌مقدم، حمید و احمدخان‌بیگی، مصطفی (۱۳۹۰)؛ "رابطه محافظه‌کاری و بهنگام بودن سود خالص با اندازه شرکت و اندازه موسسه حسابرسی"، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش ۴، صص ۱۸-۱۴.
- ۵- دستگیر، محسن؛ کریمی، فرزاد و مرادی، امین (۱۳۸۸)؛ "اثر خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات بر کیفیت سود"، *فصلنامه حسابداری مالی*، ش ۱، صص ۵۹-۳۸.
- ۶- رحمانی، علی؛ اثنی‌عشری، حمیده و ولی‌زاده لاریجانی، اعظم (۱۳۹۰)؛ "محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی اقلام صورت‌های مالی"، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش ۶، صص ۷۲-۵۷.
- ۷- ستایش، محمدحسین و جمالیان‌پور، مظفر، (۱۳۸۹)؛ "بررسی وجود محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *فصلنامه پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ش ۳، صص ۱۱۹-۸۵.
- ۸- عرب‌صالحی، مهدی و ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۹)؛ "ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *فصلنامه حسابداری مالی*، ش ۵، صص ۵۶-۳۹.
- ۹- مران‌جوری، مهدی و علی‌خانی، راضیه (۱۳۸۹)؛ "بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و فرضیه قرارداد بدھی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *فصلنامه حسابداری مالی*، ش ۸، صص ۱۱۲-۹۵.

- ۱۰- مشایخی، بیتا؛ محمدآبادی، مهدی و حصارزاده، رضا، (۱۳۸۸)؛ "تأثیر محافظه کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود"، *فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ش ۵۶، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- ۱۱- هاشمی، سیدعباس؛ فرهمند، شکوفه و شامیرزائی جشوغانی، ناصر (۱۳۹۰)؛ "تأثیر محافظه کاری شرطی بر هزینه سرمایه سهام عادی"، *دانش حسابداری*، ش ۷، صص ۶۷-۴۷.
- 12- Basu, S., (1997); "The conservatism principal and the asymmetric timeliness of earnings", **Journal of Accounting and Economics** 24(1), 3-37.
- 13- Beaver, W. & Ryan, S., (2005); "Conditional and unconditional conservatism: concepts and modeling", **Review of Accounting Studies**, 10: 269-309.
- 14- Chan, A.L-C. , Lin, S.W.J. & Strong, N., (2009); "Accounting conservatism and the cost of equity capital: UK evidence", **Managerial Finance**, 4: 325-345.
- 15- Cullinan, charles,P; Wang , fangjun ; Wang, peng & Zhang, junrui (2012); 'Ownership structure and accounting conservatism in China' **Journal of international Accountin and Taxation**, 21: 1-16.
- 16- Dimitropoulos, P.E. & Asteriou, D., (2009); "Timeliness conservatism and financial transparent firms under the Greek accounting setting", **Review of Account and Finance**, vol 7, no 3: 252-269.
- 17- Givoly, D. & Hayn, C., (2000); "The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?", **Journal of Accounting and Economics**, 29: 287-320.
- 18- Hui, kai.wai ; Klasa, sandy & Yeung,P.eric (2012) ' corporate seplliers and customer and accounting conservatism' **Journal of Accounting and Economics** , 53: 115-135.
- 19- Iatridis, G.E., (2011)" "Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism", **International Review of financial Analysis**, 20: 88-102 .
- 20- Khan, M. & Watts, R.L., (2009); "Estimation and empirical properties of a firm-yaer measure of accounting conservatism", **Journal of Accounting and Economics** 48: 132-150.
- 21- Kim, B.H. & Pevzner, M., (2010); "Conditional accounting conservatism and future negative surprises:An empirical investigation", **J. Account. Public Policy** 29: 311-329.

- 22- Kung, F-H; Ting, C-W, & James, K., (2008); "Accounting conservatism in greater china: the influence of institution and incentives", **Asian Review of Accounting** 2: 134-148.
- 23- La Fond, R. & Watts, R., (2008); "The informational role of conservatism", **The Accounting Review** 83: 443-478.
- 24- Lara, J.M.G. , Osma, B.G. & Penalva, F., (2011); "Conditional conservatism and cost of capital", **Rev Accounting Std** 16: 247-271.
- 25- Lara, J.M.G. , Osma, B.G. & Penalva, F., (2009); "Conditional conservatism and corporate governans", **Rev Accounting Stud** 14: 161-201.
- 26- Ramalingegowda, santosh & Yu, yong (2012)," Institiotional ownership and conservatism" **Journal of Accounting and Economics**, 53:98-114.
- 27- Waats, R., & Zimmerman,J., (1978) "Toward a positive theory of the determination of accounting standards", **The Accounting Review** 53: 112-134.